



حفاریهای مارلیک

(جلد اول)

تألیف :

دکتر عزت الله نگهبان

استاد دانشگاه

فهرست مطالب

مقدمه ناشر	۹
دبیاجه	۱۱
سرآغاز	۱۲
تشکر و قدردانی	۲۰
فصل اول: ۲۱-۳۰	
موقعیت جغرافیایی مارلیک	۲۲
فصل دوم: ۳۱-۵۶	
حفاری	۳۲
ترانسه‌های آزمایشی ۱ و ۲	۴۸
فصل سوم: ۵۷-۱۳۹	
آرامگاههای مارلیک	۵۸
نحوه و روش دفن در آرامگاه	۶۴
انواع آرامگاهها	۶۸
گروه اول - آرامگاههای بزرگ	۷۰
الف - آرامگاههای مردان	۷۱
ب - آرامگاههای زنان	۹۲
گروه دوم - آرامگاههای متوسط‌الاندازه	۹۹
الف - آرامگاههای مردان	۹۹
ب - آرامگاههای زنان	۱۰۴
ج - آرامگاههای مشترک	۱۰۸
د - آرامگاه اشیاء بسیار محدود	۱۱۰
گروه سوم - آرامگاههای کوچک با شکل نامنظم	۱۱۱

۱۱۱	الف - آرامگاههای مردان
۱۱۷	ب - آرامگاههای زنان
۱۲۶	ج - آرامگاههای نامشخص
۱۲۹	د - آرامگاههای هنرمندان و صنعتگران
۱۳۳	گروه چهارم - آرامگاههای اسبان
۱۳۴	نتیجه‌گیری و نظرات

فصل چهارم: ۱۴۱-۳۱۹

۱۴۲-۱۶۴	جداول ۱-۱۷
۱۶۵	مقدمه
۱۷۰	ظروف زرین
۱۷۱	ظروف زرین ساده
۱۷۳	ظروف زرین با نقش نقطه‌چین
۱۷۹	ظروف زرین با نقش خطوط روان و ساده
۱۸۴	ظروف زرین با نقوش تزئینی و ظریف
۲۴۲	ظروف سیمین
۲۴۲	ظروف سیمین ساده
۲۴۴	ظروف سیمین با نقش خطوط ساده و روان
۲۵۰	ظروف سیمین با نقوش فشرده طلا
۲۵۷	ظروف مفرغی
۲۷۶	ظروف مفرغی با اشکال مخصوص
۲۷۷	ظروف مفرغی با نقش خطوط ساده و روان
۲۸۵	ظروف مفرغی با نقوش تزئینی
۳۰۲	نتیجه‌گیری و مقایسه
۳۰۴	اصل و سرچشمه ظروف فلزی مارلیک
۳۰۶	نقوش، صحنه‌ها و موضوعهای سنتی در هنر تزئینی مارلیک
۳۰۷	درخت تزئینی یا درخت زندگی
۳۰۸	خصوصیات استثنایی جامهای فلزی مارلیک
۳۰۹	موجودات افسانه‌ای، اساطیری و تخیلی
۳۱۱	چهره و سیمای ظاهری اقوام مارلیک
۳۱۲	اهمیت و حالت جامهای مارلیک
۳۱۴	نقش و نفوذ و گسترش تمدن مارلیک
۳۱۶	فهرست منابع و مأخذ

فصل پنجم: ۳۲۱-۳۳۴

۳۲۲	- ظروف موزائیک شیشه‌ای و بدل چینی
۳۲۳	الف - ظروف موزائیک شیشه‌ای
۳۲۸	ب - ظروف بدل چینی
۳۳۱	نظرات و مقایسات

۳۳۵-۴۸۵	فصل ششم:
۳۳۶	- مجسمه‌های مارلیک
۳۴۱	الف - مجسمه‌های انسان
۳۴۱	مجسمه‌های سفالی انسان
۳۵۴	مجسمه‌های فلزی انسان
۳۶۲	نتیجه‌گیری و نظرات
۳۶۵	ب - مجسمه‌های سفالی حیوانات
۳۶۹	گاوه‌های کوهاندار
۳۸۹	بزکوهی و گوزن
۳۹۵	مجسمه‌های سفالی قاطر و اسب
۴۰۰	مجسمه‌های سفالی قوچ
۴۰۶	مجسمه‌های سفالی خرس
۴۰۹	مجسمه‌های سفالی پلنگ
۴۱۱	مجسمه‌های سفالی سگ
۴۱۵	ج - مجسمه‌های فلزی حیوانات
۴۱۵	مقدمه
۴۱۶	مجسمه‌های فلزی گاو
۴۳۳	مجسمه‌های فلزی گوزن
۴۴۲	مجسمه‌های فلزی بزکوهی
۴۵۴	مجسمه‌های فلزی اسب
۴۶۳	مجسمه‌های فلزی حیوانات دیگر
۴۷۴	مجسمه‌های فلزی پرندگان
۴۷۸	د - نتیجه‌گیری و نظرات
۴۸۰-۴۸۵	فهرست تصاویر و جداول
۴۸۷-۵۱۲	آلبوم تصاویر رنگی
	فهرست اعلام

مقدمه ناشر

سرزمین کهنسال ایران با فرهنگی غنی و تمدنی درخشان و تاریخی، همواره کانون پژوهشهای علمی و تحقیقات باستانشناسی و فرهنگی بوده است، به همین علت هم از دیرباز پژوهندگان، دانشوران، شرق شناسان، سیاحان خارجی و علاقه مندان به فرهنگ و هنر مشتاقانه به این سرزمین افسانه‌ای چشم دوخته‌اند.

موزه‌های بزرگ و معروف جهان نیز بخش مهمی از فضاهاى فرهنگى خود را به نمایش و معرفی هنر و آثار فرهنگی ایران اختصاص داده و مراکز تحقیقاتی خاصی را بدین منظور تاسیس کرده‌اند و دانشگاه‌های معتبر دنیا هم بخشهای ویژه‌ای را جهت شناخت تمدن و فرهنگ ایران دایر نموده‌اند. این همه توجه و دقت پیگیر در شناخت میراث اصیل فرهنگی ایران نشانه بارزی از غنای فرهنگی و وسعت و پیچیدگی هنر در دورانهای مختلف این سرزمین کهنسال است.

سازمان میراث فرهنگی کشور تلاش دارد تا علاوه بر آشنا ساختن مردم با ارزشهای گرانبار تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم، به تبادل اطلاعات تخصصی در سطح بین‌المللی دست یازد و از دیگر سو با انتشار مقالات و نتایج پژوهشهای انجام یافته و همچنین تحقیقات علمی جدید، این رسالت بزرگ را به انجام رساند. بی‌تردید استمرار این شیوه که به زعم ما افق‌های گمشده‌ای را پیش چشم خواستاران و پیوستگان آداب و ارزشهای فرهنگی ایران اسلامی خواهد گشود، تنها در پرتو همراهی و همدلی فرهیختگان و دانش پژوهان این ملک و دریافت آراء و نظرات صائب و نقادانه آنان پیرامون انتشارات سازمان و از جمله کتاب حاضر، میسر خواهد شد.

معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی کشور



نقش جام شماره ۸ (29M)

دیباچه

سرآغاز

در پاییز سال ۱۳۴۰ شمسی یک هیأت بررسی و تحقیق قسمت سرپرستی اینجانب از طرف اداره کل باستان‌شناسی به منطقه رحمت آباد رودبار در استان گیلان عزیمت کرد تا پس از بررسی دقیق، آثار باستانی موجود در این منطقه را کشف و نسبت به حفاظت و نگهداری آنها براساس ضوابط قانونی اقدامات لازم را معمول دارد. انتخاب منطقه رحمت آباد رودبار و دامنه‌های شمالی و ارتفاعات رشته جبال البرز در این ناحیه برای بررسی شامل دو دلیل اصلی بود. اول این که در این منطقه از کشور ما حفاریهای علمی انجام نگرفته و از این نظر تحقیقاتی که بتواند تاریخ گذشته این سرزمین را روشن کند انجام نگرفته بود. دوم این که حفاریهای غیرقانونی به منظور دستیابی به آثار ارزنده باستانی در این قسمت رواج فراوان داشت و مدت مدیدی بود که آثار مکشوفه در این حفاریهای غیرمجاز به طریق قاچاق خرید و فروش از مملکت خارج می‌شد. ایلغار آثار باستانی این منطقه به دست حفاران غیرمجاز به مدت بیش از یک ربع قرن قبل از شروع عملیات بررسی آثار باستانی این هیأت ادامه داشت و نواحی دامنه‌های شمالی البرز در استانهای مازندران و گیلان به دست حفاران و دزدان آثار عتیقه در خفا و به طور قاچاق مورد حفاری قرار گرفته به طور قاچاق از مرزهای کشور خارج شود در بازارهای بین‌المللی جهان عرضه گردیده مورد معامله قرار می‌گرفت. این آثار تحت نام "املش" معرفی می‌شد و به تدریج به موزه‌ها و مجموعه‌های بزرگ آثار باستانی و هنری جهان راه می‌یافت. املش شهرک کوچکی است واقع در شمال ایران در چند کیلومتری رودسر و بیشتر آثار باستانی مکشوفه در حفاریهای غیرقانونی و مخفیانه این منطقه به دست زارعان یا عاملان و ایادی سوداگران آثار عتیقه حفاری می‌شد بدین شهرک راه می‌یافت. در آنجا یا فروخته می‌شد یا با کالاهای دیگر مبادله می‌گردید و از آن محل توسط دلالان عتیقه قاچاق به مغازه‌های عتیقه فروشی یا مجموعه‌های شخصی در

ایران منتقل می شد و به طرق غیرقانونی و قاچاق به خارج از مملکت برده می شد. با وجودی که در شهرک املش و نواحی اطراف آن هیچ گونه آثار باستانی کشف نشده بود به علت این که در مرکز این گونه مبادلات عتیقه قرار داشت به تدریج نام املش به غلط به عنوان نام یک منطقه باستانی رایج شده بود و کلیه آثار باستانی که در ارتفاعات گیلان و مازندران یافت می شد تحت عنوان املش شناسایی شده بدین نام معرفی می گردید.

چون اگر آثار باستانی در این منطقه ضمن حفاریهای غیر علمی و قاچاق به دست آمده بود اطلاعات زیادی از هویت آنها و همچنین تعلق این اشیا چه از نظر قدمت چه از نظر مکتبهای هنری در دست نبوده اصل و منشأ آنها نامعلوم و مبهم باقی مانده بود.

هیأت ما نهایت کوشش را داشت که آثار و مکانهایی باستانی زمین منطقه را اولاً مشخص کند. و سپس نسبت به حفاظت و نگاهداری آنها اقدامات لازم را معمول دارد. ضمناً در فرصت مناسب نسبت به حفاری آنها به طرق علمی اقدام کند و اطلاعات و مدارک کافی نسبت به تمدنهای گذشته و تاریخ اقوام مسکونی در دورانهای قدیم جمع آوری کند و هویت آنها را که تا آن زمان در پرده ابهام و تاریکی قرار داشت و بدون هیچ گونه دلیل به نام املش معروف شده بود، روشن کند.

ارتفاعات البرز به خصوص در دامنه های شمالی واقع در استان گیلان و مازندران دارای خاک بسیار حاصلخیزی است و با وجود رطوبت کافی و ریزش باران فراوان در این منطقه بر خلاف نقاط مرکزی فلات ایران استثنایی است یکی از زیباترین و حاصلخیزترین نواحی ایران را به وجود آورده است. این ناحیه در گذشته همواره مورد توجه اقوام باستانی بود از نظر وفور تولید محصولات و فراآورده های کشاورزی و حاصلخیزی خاک، غنای منابع طبیعی و وجود جنگل یکی از نقاط کم نظیر را در مملکت ما معرفی می کند دامنه های پایین کوه های البرز در این منطقه به صورت مزارع حاصلخیزی مورد استفاده قرار گرفته دامنه های مرتفعتر از درختان جنگلی و بوته های وحشی پوشیده شده اند. این رطوبت فراوان و کثرت درختان و نباتات در روش و نحوه زندگانی مردمان مسکون در این منطقه در گذشته و حال نفوذ کامل داشته بافت و روش خاصی را در این منطقه به وجود آورده که در نتیجه در کیفیت آثار باستانی باقی مانده نیز تأثیر گذاشته است.

به علت وجود مناطق پوشیده از جنگل و فراوانی چوب چه در گذشته و چه در حال بیشتر ساختمانها از چوب ساخته می شده است و فقط بعضی اوقات بنیان دیوارها و ساختمانها از سنگ و گل ساخته می شده است. این منازل و ساختمانهای مسکونی در مقابل طول زمان مقاومت چندانی نداشته پس از مدتی آثار آن پوسیده و از بین می رفته است و به همین علت آثار مربوط به استقرارهای گذشته چه در دهات و چه در شهرها به تدریج در طول زمان پوسیده و از بین رفته اند و اثرات آنها نیز معدوم شده اند. همچنین اساس و بنیان این ساختمانها که احتمالاً از

سنگ و گِل ساخته شده‌اند به مرور ایام در اثر روییدن درختان و گسترش جنگل در زیر بوته‌های وحشی و درختان ناپدید شده و تشخیص آنها به آسانی امکان‌پذیر نیست. برای دست‌یابی به آثار باستانی در این منطقه عموماً در بیشتر نقاطی که از نظر بافت طبیعی احتمال بقایای باستانی وجود دارد، ولی سطح زمین با گل و گیاه و درختان پوشیده شده است، حفریک گمانه آزمایشی برای رسیدن به بقایای باستانی و جمع‌آوری شواهد و مدارک باستانی ضروری به نظر می‌رسد. شناخت و تعیین این مکانهای باستانی بدون جمع‌آوری شواهد و آثار امکان‌پذیر نبوده و تعیین هویت آنها منحصرراً با دست‌یابی به آثاری که در ضمن این گمانه‌ها ظاهر می‌شوند عملی خواهد بود.

آثار مکشوفه در این منطقه بیشتر در گورستانهای باستانی وجود دارد و شاید در حدود نود و پنج درصد از آثار مکشوفه در گذشته در این ناحیه از گورستانهایی است که با مرور زمان سطح آنها از بوته‌های وحشی و درختان پوشیده است و امروزه در زیر مناطق جنگلی و گیاهان و نباتات پنهان شده‌اند. طبیعت خاص و این وضعیت جغرافیایی در حفاظت و نگاهداری این گورستانهای باستانی نیز مؤثر بوده و آنها را از چشم زخم و دستبرد حفاران و سوداگران و دلالان عتیقه تا اندازه‌ای مصون نگه داشته است. متأسفانه در حدود یک ربع قرن پیش که علاقه به جمع‌آوری آثار باستانی رو به تزاید می‌رفت و در اثر تصادف یا ضمن عملیات کشاورزی جسته گریخته زارعان اشیایی را در اثر شخم زدن زمین پیدا می‌کردند، به تدریج توجه افراد ذی علاقه را جلب کرد. در نتیجه این منطقه از کشور ما مورد تهاجم و ایلغار عده‌ای سوداگر و سودپرست قرار گرفت و از آن به بعد با وجود منع قوانین مملکتی این سوداگران بیشتر گورستانهای قدیمی این منطقه را که بر اساس عقاید مذهبی آن زمان مردگان را با اشیای نفیس متعلق به خود در آنجا فن می‌کردند و مملو از آثار نفیس بود، مضطرب کرده و به طور قاچاق حفاری می‌کردند و شواهد و مدارک تاریخی آنها را ویران می‌ساختند. آثار نفیس مکشوفه در این قبرستانها که در اثر این حفاریهای قاچاق و مخفیانه کشف شده و جمع‌آوری شده بود به تدریج توسط دلالان به مغازه‌های عتیقه فروشی و مازادهای غیرقانونی جهان راه یافت.

زمانی که هیأت بررسی ما حدود دو هفته در این منطقه مشغول تحقیق بود و تپه‌های باستانی زیادی را تشخیص و تعیین هویت کرد به دره گوه‌ر رود رسید.^۱ در این دره سر سبز و زیبا که سطح آن از درختان زربین^۲ باغهای

۱. گوهر رود یکی از رودخانه‌های کوتاهی است که از ارتفاعات دامنه شمالی کوهستان البرز سرچشمه می‌گیرد. این رودخانه از سرچشمه تا محل اتصال آن به سفید رود حدود پانزده کیلومتر طول دارد. در اواخر زمستان و اوایل بهار به علت بارندگی طغیان و سیلابی است و آب آن قرمز رنگ و با گل و لای مخلوط است. در فصل تابستان و پاییز دارای آب زلال و صافی است، به همین علت گوهر رود نامیده می‌شود. در طول رودخانه از سرچشمه به بعد به علت چشمه‌سارهای فراوان در دره گوهر رود شعبه‌های زیادی بدان اضافه می‌شود و بیشتر آب رودخانه گوهر رود به خصوص در فصل بَرَنج کاری به مصرف آبیاری بَرَنج‌زارهای این دره می‌رسد. در این فصل آب رودخانه به وسیله سدهای کوچک در کانالهایی منحرف می‌شود و به مزارع بَرَنج هدایت می‌گردد.

۲. درخت زربین نوعی درخت سرو است که قسمتهای زیادی از دامنه‌های دره گوهر رود را فرا گرفته است. این درخت دارای چوب محکمی است و به علت شیره مخصوص که در آن وجود دارد بی‌نهایت مقاوم و بادوام است. در دو انتهای باستانی نیز برای پوشش سقف از این چوب استفاده می‌کرده‌اند. فعلاً قطع درخت زربین به استثنای درختهایی که به حالت طبیعی خشک می‌شوند از طرف اداره جنگلبانی جلوگیری می‌شود.

زیتون و مزارع برنج پوشیده شده بود پنج تپه باستانی کاملاً مشخص وجود داشت. این تپه‌ها که تشخیص آنها به علت برجستگی خاصی که از زمینهای اطراف داشتند روشن بود عبارت بودند از پيله قلعه، جازم کول، دوره بیجار، زینب بیجار، مارلیک (یا چراغعلی تپه که نام آن از مالک آن اقتباس شده بود). سطح این تپه‌ها یکی پس از دیگری بررسی و شواهد و مدارک باستانی موجود در سطح آنها جمع‌آوری و تعیین هویت شد. تپه مارلیک تپه‌ای است بزرگ که از سنگ طبیعی ترکیب شده^۱ و با درختان زیتون احاطه گردیده و در دامنه‌های اطراف آن مزارع برنج وجود دارد. در ارتفاعات این تپه تخته سنگهای بزرگ وجود داشت که دلالت بر وضع طبیعی آن می‌کرد. بیشتر سطح تپه از بوته‌های وحشی پوشیده شده بود. پوشش سطح تپه با بوته‌های وحشی امکان جمع‌آوری شواهد و مدارک باستانی را محدود می‌کرد و فقط در دامنه شمالی آثار چند گودال و کندوکاو که احتمالاً حفاران غیرمجاز برای به دست آوردن عتیقه حفر کرده بودند، مشاهده می‌شد.

به منظور جمع‌آوری و دست یافتن به اطلاعات کافی برای تعیین هویت باستانی این تپه هیأت تصمیم گرفت گمانه آزمایشی در قسمت شمالی تپه حفر می‌کند. در این گمانه آزمایشی پس از دو روز حفاری، آثار باستانی ارزنده‌ای شامل دو مجسمه کوچک مفرغی به شکل گاو، دو مهر استوانه‌ای، و چهارده دگمه طلا از دل خاک بیرون آمد. به رغم ظاهر طبیعی تپه دو تخته سنگ سنگهای طبیعی سطح آن را فرا گرفته و در فاصله تخته سنگهای گیاهان و بوته‌های گلهای وحشی قرار گرفته بودند. کشف این آثار باستانی ارزنده ضمن حفر گمانه آزمایشی دلالت بر این داشت که در دل این تپه آثار و شواهد قابل توجهی وجود دارد. کشف این آثار گرانبها در این تپه و آگاهی زارعان و کارگران محلی که در حفر گمانه شرکت داشتند از وجود چنین وضعیتی مسئولیت بزرگی را برای نگاهداری و حفاظت تپه به وجود آورد. هیأت ما که تاکنون برنامه منظم بررسی منطقه را دنبال می‌کرد به ناچار برای حفاظت تپه در این محل متوقف شد و تصمیم بر این قرار گرفت که قبل از این که آثار ارزنده این تپه را حفاران غیرمجاز و دلالان عتیقه به یغما ببرند خود هیأت که از طرف اداره کل باستان شناسی مأموریت بررسی داشت پس از انجام تشریفات لازم و کسب اجازه از مقامات مسئول به حفاری علمی در این تپه اقدام کند. موافقت وزارت فرهنگ برای حفاری تپه جلب شد و حکم مأموریت لازم به هیأت ما برای انجام حفاری صادر گردید و تسهیلات لازم برای این امر در ظرف مدت کوتاهی فراهم آمد. بدین ترتیب حفاری تپه مارلیک در اوایل پاییز ۱۳۴۰ شروع شد تا پایان پاییز ۱۳۴۱ یعنی حدود چهارده ماه به طور مداوم ادامه داشت.

در ابتدای شروع به کار اطلاعات ما از نظر نحوه قرار گرفتن آثار باستانی در دل خاک در این تپه بسیار محدود بود،

۱. تپه کارلیک تپه‌ای است سنگی که از سنگهای سولفات آهن تشکیل شده است. وضع مشکل شدن طبیعی تپه به نحوی است که سنگهای طبیعی دارای شکافهای زیادند و در بیشتر این شکافها موشهای صحرایی و مارهای مختلف به وفور زندگانی می‌کنند. روی این تپه سنگی آرامگاههای مارلیک در فاصله ما بین تخته سنگهای بزرگ ساخته شده‌اند.